

بررسی نقش مدیریت سرمایه اجتماعی در مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری با رویکرد آینده پژوهی (مطالعه موردی: شهر فریدونکنار)

سید علی صیادی کناری^۱، حسین بابانجاج احمدی^۲، آسیه عابد پور^۳، مقداد عباسی^۴، لاله منجری^۵

^۱کارشناس مهندسی علوم کامپیوتر، دانشگاه پیام نور، واحد محمود آباد، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲کارشناسی ارشد، مهندسی نرم افزار کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، مازندران، ایران

^۳کارشناسی ارشد، مهندسی نرم افزار، موسسه آموزش عالی پردیسان، واحد فریدونکنار، مازندران، ایران

^۴کارشناسی ارشد، مهندسی نرم افزار کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، مازندران، ایران

^۵کارشناسی ارشد، گرایش مدیریت مالی، دانشگاه آموزش عالی غیر انتفاعی خزر، واحد محمود آباد، مازندران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مدیریت سرمایه اجتماعی در مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر فریدونکنار) می باشد. روش گردآوری داده ها پیمایش می باشد. جامعه آماری را ۸۰۰۰ نفر از شهروندان فریدونکنار تشکیل می دهد. براساس جدول نمونه گیری استاندارد کرجسی و مورگان، ۳۸۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده اند. برای دسترسی به نمونه در این تحقیق از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه می باشد. روایی پرسشنامه ها با کسب نظر کارشناسان حاصل و پایایی حاصل از آلفای کرانباخ نیز برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۸۱۲ و برای پرسشنامه مشارکت اجتماعی ۰/۷۹ می باشد. به منظور آزمون فرضیات تحقیق با توجه به نرمال بودن داده ها از آزمون های پیروسون و رگرسیون چندمتغییره استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی) و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه معنادار وجود دارد. یعنی کسانی که در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری مشارکت داشتند بیشتر از شهروندانی که مشارکت نداشتند دارای سرمایه اجتماعی بودند. همچنین براساس نتایج رگرسیون چند متغیره اعتماد اجتماعی بیشترین تاثیر بر مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری دارد.

واژه های کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندان، طرح های عمرانی و توسعه شهری.

مقدمه

اصولاً یکی از مهم ترین مسائل کشورها در دوره های مختلف، بررسی شیوه های بهبود و پیشرفت و در مجموع، توسعه مناطق شهری است؛ بر این اساس، توسعه شهری نیز به عنوان یکی از زیرشاخه های توسعه و بلکه مهم ترین آنها، فرآیندی چندبعدی است که موضوع آن، بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماع شهری است (طالب، ۱۳۸۴). امروزه بیشتر صاحب نظران توسعه شهری معتقدند که دستیابی به توسعه ی پایدار بدون مشارکت آحاد مردم ممکن نیست و بدون تردید با مشارکت مردم دوره گذار توسعه تسهیل، تسریع و کم هزینه تر می شود.

اوکلی و مارسدن در کتاب رهیافت های مشارکت روستایی، مشارکت را فرایندی از مداخله اجتماعی خلاق به وسیله افرادی که به تعیین و برآورده ساختن نیازهای خود علاقه مندند و آن را نه یک سهم شدن انفعالی در فعالیت های طراحی شده توسط دیگران و صرفاً بهره برداری از ثمرات فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، بلکه نوعی پیشقدم شدن در تصمیم گیری راجع به کار با چگونگی انجام کار دانسته اند (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۱).

مشارکت بعنوان کلیدی ترین عنصر در دستیابی به اهداف عمرانی و توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است. چون افراد بطور ارادی و آگاهانه و با میل و رضایت خود و بدون هیچگونه اجبار در برنامه ها یا پروژه های عمرانی شرکت می کنند و این همکاری از مرحله ی تصمیم گیری تا اجرا، نظارت و ارزشیابی برنامه ها تداوم دارد، موجب می شود مردم با سرعت بیشتری در به ثمر رساندن اقدامات کوشش کنند، آن اقدامات را برای خود بدانند و از آنها مراقبت و محافظت کنند و در صورت استهلاک تا تخریب، خود مجدداً در پی ساخت آن برآیند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۰: ۴۱).

تجربه تاریخی کشور ما ضمن تأکید بر اعمال راهبرد بالا به پایین در توسعه، از شکست آن در فرآیند توسعه شهری حکایت دارد؛ بنابراین، بر مبنای این تجربه و افزایش حوزه معرفتی و دانش علمی، لازم است که جامعه، توجه به توسعه شهری را با محوریت مشارکت مردمی، سرلوحه برنامه ها و تدابیر خود قرار دهد.

توسعه خودجوش و درون زا حکم می کند که در تمامی مراحل و در شرایط مختلف، مبنای کار بر جلب مشارکت مردم محلی در جهت بسیج منابع و نهادهای ساز مشارکت های محلی با تأکید بر توانمندسازی و ظرفیت سازی قرار گیرد. مشارکت مردم باعث می شود تا مردم با برنامه ها و عناصر جدید احساس بیگانگی نکنند و از سوی دیگر در طول طراحی و پس از آن در انجام و نگهداری طرح ها سهم باشند، طرح و محصول به دست آمده را از آن خود بدانند و در نگهداری و پویایی آن بیشترین همکاری را داشته باشند.

در گذشته، بر گزینه کار "برای مردم شهری" تأکید می شد، ولی امروزه و از دیدگاه مشارکتی بر گزینه کار "به وسیله مردم شهری" تأکید می گردد. بدینسان، توانمندسازی مردم روستا کمک مؤثری به آنان برای تشخیص، تجزیه و تحلیل مسائل و رویدادها و در نتیجه تصمیم مقتضی در مواجهه با شرایط پیش بینی نشده و متغیر می نماید (حیاتی، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

این در حالی است که گاهی مشاهده می شود در یک منطقه، طرح های آبادانی اجرا می شود، بدون این که شهروندان آن منطقه در جریان امور قرار گیرند. پس از اتمام برنامه ها و پروژه ها، به دلیل عدم مشارکت دادن شهروندان در جریان تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرا، استقبالی در استفاده و بهره برداری از آن به عمل نمی آید. برای این که چنین مشکلی بروز نکند، باید هنگام تصمیم گیری و برنامه ریزی، شهروندان مشارکت داشته باشند، حتی از آنها خواسته شود که در مرحله اجرا، نگهداری و ارزیابی نیز بصورت فعال شرکت کنند (نجفی کانی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

مشارکت مردمی در برنامه ریزی های محلی می تواند منجر به تمرکززدایی شده و از محدودیت های برنامه ریزی بالا به پایین می کاهد (برقی و همکران، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

امروزه تاثیر و اهمیت نقش موثر مردم و مشارکت آنها در حرکت به سمت توسعه پایدار شهری بر کسی پوشیده نیست و اگر می خواهیم به سمت توسعه ای پویا و پایدار حرکت کنیم و توسعه برای مردم امروز و نسل های آینده باشد باید خود مردم از دسترسی به فواید توسعه احساس رضایت کنند (حامد مقدم، ۱۳۷۰: ۱۰).

شواهد تجربی حاکی از آن است که امروزه بسیاری از مشکلات در نواحی شهری کشورهای جهان سوم به دلیل عدم مشارکت و نقش آفرینی مؤثر ساکنان این جوامع می باشد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۲۷).

امروزه در نظریه های اجتماعی و اقتصادی واژه مشارکت جایگاه ویژه ای دارد و تنوع کتب و مقالات منتشر شده در این زمینه و همچنین بررسی اهمیت مشارکت در سمینارهای بسیاری که با عناوین و اهداف مختلف برگزار شده خود گویای اهمیت مشارکت در دستیابی به توسعه به ویژه توسعه شهری است (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۲۷).

صرف تأکید بر اهمیت مشارکت در روند توسعه شهری دلیل کافی برای مشارکت شهروندان نیست، زیرا مشارکت حداکثری شهروندان در روند اجرای طرحهای عمرانی نیازمند شناخت ظرفیتهای و قابلیت ها و نیز شناخت درست ضعف های موجود در روستاها است؛ تا از این طریق بتوان با افزایش ظرفیت های فعلی (ظرفیت سازی) زمینه را برای مشارکت حداکثری آنان فراهم نمود. با توجه به پژوهش های صورت گرفته، ثابت شده است که ظرفیت سازی به طور عام و ظرفیت سازی اجتماعی به خاص عبارت است از راهبردها و اقداماتی که هدف آن کمک به مردم در جهت شناخت توانایی های خود است تا برای بهبود زندگی فردی و جمعی از آن بهره گیرند؛ زیرا محققان علل اساسی ناتوانی بسیاری از کشورها را در پیشبرد و حفظ توسعه اقتصادی و اجتماعی، ناکارایی رویکردهای معمول توسعه در ایجاد ظرفیت پایدار نیروی انسانی، نهادها و سازمانها در سطح محلی عنوان کرده اند (Aref, 2009:208). از این رو در حال حاضر با افزایش مهارت ها و ظرفیت های اجتماعی و به عبارتی بهتر، با ظرفیت سازی اجتماعی می توان میزان مشارکت شهروندان در فعالیت های عمرانی را افزایش داد.

امروزه برای دستیابی به توسعه هر چه بیشتر در مناطق شهری اقدامات و تدابیر گوناگونی اندیشیده شده است، و راهکارهایی برای افزایش تولید، بهبود سطح دانش و تکنولوژی، اصلاح شبکه ی ارتباطی، افزایش درآمد و اشتغال زایی بیشتر، کاهش فقر و نابرابری، تنوع بخشی به اقتصاد شهری و غیره ارائه گردیده است که مجموعه ی این تدابیر در تلاش برای رسیدن به توسعه روستاها می باشند (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۸).

یکی از چالش های امروز توسعه شهری، عدم توجه به سرمایه ی اجتماعی شهروندانی است که به صورت هزاران خرده فرهنگ در پهنه ی جغرافیایی کشور ایران گسترده شده اند، که شناخت این سرمایه قطعاً روند برنامه ریزی برای توسعه شهری را برای متخصصان مربوطه تسهیل و مشارکت شهروندان را در اجرای بهتر برنامه به همراه دارد (سلمانی و همکران، ۱۳۸۷: ۲۱).

امروزه اهمیت سرمایه اجتماعی به منظور رسیدن به توسعه شهری، موضوع رو به رشد بسیاری از مطالعات در سالیان اخیر است، شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه ای به خصوص جوامع شهری، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی از همه مهم تر، اعتماد متقابل (افراد و دولت) است که این سازه ها از مؤلفه های سرمایه اجتماعی به شمار می آیند. معمولاً زمانی که از مشکلات اقتصادی سخن به میان می آید، اغلب کمبود سرمایه فیزیکی به عنوان یکی از بزرگ ترین معضلات نام برده می شود و از سرمایه اجتماعی هیچ سخنی به میان نمی آید. این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایط

" رکود و تورمی " که نیاز به " اعتمادسازی " است. بیش از هر سرمایه دیگری احساس می شود و می تواند بسیاری از معماهای لاینحل اجتماعی را از سر راه حرکات توسعه ای جامعه بردارد (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۸).

در این میان نمی توان نسبت به میزان فعالیت، مشارکت و اعتمادسازی شهروندان در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی و استفاده از سرمایه اجتماعی چشم پوشی کرد.

بر این اساس پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری (مطالعه موردی: شهروندان فریدونکنار) رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در اقدام جمعی است (محسنی و جار اللهی، ۱۳۸۲: ۱۲). نسیمی، مشارکت را به معنای قبول همکاری آگاهانه و از روی میل و اراده، برای رسیدن به هدفی خاص و معین می داند که طی آن برای طرح مسئله، تصمیم گیری، اجرا، بهره برداری، مراقبت و بازنگری اهداف، از تمام امکانات گروهی استفاده می شود (سرور، موسوی، دانیالی، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

مشارکت به عنوان عنوان یک فرآیند اجتماعی، عام، جامع، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (صابری فرد، ۱۳۹۱: ۶۷).

در مشارکت به مردم این فرصت داده می شود که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه بزرگتر، قادر به مشارکت فعال و مؤثر در فرآیند توسعه و بهره برداری از ثمرات و منافع توسعه گردند (سرور، موسوی، دانیالی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن؛ بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت از دیدگاه جامعه شناسی، باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت نمودن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می دهد و در معنای دوم، شرکت فعالانه در گروه را می رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. مشارکت می تواند اشکال گوناگونی پیدا کند نظیر همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفستگی، ایفای نقش های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی و ارتجالی گونه در حیات اجتماعی است. مشارکت اجتماعی در این صورت، عبارت از مشارکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، قبول مسئولیت های سیاسی، مدنی و اجتماعی خواهد بود و میزان مشارکت اغلب شکلی از قدرت را مشخص می دارد. مشارکت اجتماعی، مفهومی است که مخصوصاً در جامعه شناسی کارکردی و گرایش های موجود در آن مورد استفاده قرار گرفته است. (رضایی، ودادی، مهر دوست، ۱۳۹۱: ۲۰۷).

باستن چهار برداشت متفاوت متفاوت از مفهوم مشارکت دارد:

- ۱) مشارکت در معنای ساده، به کارگیری نیروی انسانی است؛
 - ۲) مشارکت اغلب به عنوان تلاش برای ترفیع خوداتکایی تفسیر می شود؛
 - ۳) رهیافت مشارکتی اغلب تکنیک و فن برای خلق روستای ایده آل است؛
- و مشارکت به عنوان روش مدیریت پروژه بازتاب می شود. (برقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

همگان بر این نکته اذعان دارند که مشارکت در عمل فصلی از توسعه به شمار می آید، تا آنجا که گاه توسعه را معادل مشارکت می دانند. از این روست که هیچ نوع توسعه ای تحقق نخواهد یافت، مگر آنکه مردم تشویق شوند تا سطح زندگیشان را ارتقاء دهند (صابری فرد، ۱۳۹۱: ۶۸).

کمتر کسی با این نکته مخالف است که مشارکت مردم اساس موفقیت هر طرح توسعه شهری است. مشکل بر سر تأکید بر اهمیت مشارکت نیست، بلکه در زمینه توسعه شهری، دستیابی به توافق درباره مفهوم این واژه اهمیت دارد، به شرطی که چنین عملی هم معتبر و هم امکان پذیر باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۳).

تأکید بر اصل مشارکت در برنامه ریزی به این دلیل است که توسعه بیش از هر چیز به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی های درونی تجلی می یابد و این امر مستلزم مشارکت در تمامی مراحل یک برنامه ریزی توسعه ای است. مشارکت مورد نظر علاوه بر دوره طراحی برنامه ها، همه مراحل مطالعات، هدفگذاری، سیاستگذاری، ارزیابی، تأمین منابع، اجرا، نظارت و ارزشیابی را نیز در بر خواهد گرفت (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

مردم به کمک مشارکت و بدون اتکای جدی بر برنامه های رسمی می توانند بر مشکلات شان فائق آیند، یعنی خوداتکا شوند و نیازهای اساسی شان را رفع کنند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۱۱).

در این زمینه، تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نشان می دهد که برنامه ریزی متمرکز، آمرانه و از بالا به پایین، دستاورد مطلوبی نداشته است. هرچه سطوح مشارکت محدودتر باشد، امکان اجرایی و کارآمد شدن برنامه ها کاهش خواهد یافت و هزینه های اجرا و نظارت مرکزی افزایش می یابد و آسیب پذیری طرحها و سیاست ها بالا خواهد رفت (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

یکی از درس های فراموش نشدنی حاصل از تحلیل کلیه راهبردهای توسعه گذشته، این است که شهروندان پیش از آن که بتوانند مدعی سهم مشروع خود از ثمرات توسعه باشند، باید سازماندهی شوند. با این وجود در اغلب طرح های توسعه به این مهم، توجه چندانی نمی شود. زیرا برای دستیابی به این هدف باید توسعه را در سطح محلی پیگیری نمود. اما ادبیات توسعه در این زمینه از غنای چندانی برخوردار نیست و بیشترین سوابق مربوط به تحقیقات و بررسی هایی است که در قالب روش های ارزیابی مشارکتی به انجام رسیده است. این روش ها از اواخر دهه ۱۹۸۰ و در طی دهه ی ۱۹۹۰ از بیشترین رونق در بین محققان اجتماعی برخوردار بود. عقیده محققانی که از این روش بهره برداری می کردند آن بود که این روش علاوه بر گردآوری اطلاعات کامل از جامعه ی شهری، قادر است نسبت به توانمندسازی جامعه محلی نیز اقدام نماید و به این طریق فعالیت واقعی آنها را در عرصه ی عمل فراهم آورد. چرا که قبل از آن و در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م که دوران تسلط پارادایم قدیم توسعه است. نظریه های نوسازی و انتقال تکنولوژی های پیشرفته به صورت از "بالا به پایین" و برنامه ریزی شده، فضای غالب فکری و اجرایی دانشگاهها، مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی و مدیریت های اجرایی را شکل می داد تا جایی که در چهارچوب دکترین رشد، افزایش تولید محصولات عمده ی کشاورزی در کانون توجه تحقیقات و سیاست های حمایتی قرار گرفت. به این ترتیب، سرمایه گذاری ها به تحقیقات کشاورزی ایستگاهی، خدمات فنی و تعاونی ها معطوف شد. در واقع اساس و شالوده ی "انقلاب سبز" اینگونه شکل گرفت. انقلاب سبز با موفقیت زیادی همراه بود؛ اما منافع آن بیشتر نصیب ثروتمندان و نواحی مستعد شد و اغلب، فقرا را از قلم انداخت یا وضع آنان را بدتر کرد. در آن زمان اکثر کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به خودکفایی غذایی تلاش می کردند؛ آنها سیاست جانمایی واردات را در پیش گرفته بودند. این جهت گیری ها در بخش کشاورزی منجر به اتخاذ سیاست های عرضه گرا و ایجاد انحصارات غیر دولتی در دو بعد تأمین نهاده ها و بازاریابی تولیدات شد. پایین بودن

قیمت محصولات غذایی و نرخ بالای ارز، به نوعی از فعالیت های شهری حمایت می کرد که در نهایت این موضوع سبب تضعیف کشاورزی و فقر بیشتر نواحی شهری شد (مهندسين مشاور DHV 2: 1371) این شرایط متولیان توسعه ی شهری را به این سو رهنمون ساخت که برای توسعه ی هماهنگ و متوازن، راهی جز مشارکت همه جانبه ی جامعه شهری وجود ندارد. از نگاه مشارکت باوران، افزایش مشارکت به معنای افزایش اعتماد به نفس بوده و این امر نیز توانمندسازی را به دنبال دارد و وقتی مردم محلی از توانمندی لازم برخوردار شدند، امکان کار جمعی فراهم می شود. (Chambers, 2003:33)

بنابراین یکی از عواملی که می تواند بر مشارکت شهروندان شهری تاثیر گذار باشد و طی های دهه های اخیر توجه بسیاری صاحب نظران و سیاست گذران و متولیان امور شهری را به خود معطوف ساخته است. سرمایه اجتماعی می باشد.

سرمایه ثروتی است مولد یا منبعی است که شخصی جهت ایجاد درآمد به کار می برد. بورديو برداشتی وسیع تر از سرمایه ارائه می دهد، به طوری که وی تصریح می کند سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد سود خاصی را از طریق مشارکت و رقابت بر سر آن به دست آورد. بنابراین می توان گفت که دریافت بورديو از سرمایه وسیع تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. سرمایه یک منبع عام است که می تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود گیرد. سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی، سرمایه دینی، سرمایه اجتماعی و انواع مختلف سرمایه به شمار می روند. واژه و روح سرمایه اجتماعی سابقه ذهنی و طولانی در علوم اجتماعی دارد، ولی سابقه این اصطلاح به معنایی که امروزه به کار می رود به بیش از ۹۰ سال پیش (۱۹۱۶) و نوشته های لیداجی هانیفان سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا بر می گردد. او در توصیف سرمایه اجتماعی می گوید: «چیزی ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد: حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده ها که سازنده واحد اجتماعی اند» (ولکاک و دیگری، ۱۳۸۴).

کلمن سرمایه اجتماعی را فرآیندهایی اجتماعی می داند که با تسهیل کنش اعضای خود، منافع شان را ارتقاء می دهد. بورديو موقعیت ها و روابطی که در درون گروه ها و شبکه های اجتماعی دسترسی به فرصت ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می دهد سرمایه اجتماعی می داند.

پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز وجوه گوناگون سازمان های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارآیی جامعه را افزایش می دهد (ملاحسنی، ۱۳۸۱).

فوکویاما مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیررسمی اعضای گروهی که تعاون و همکاری میانشان مجاز است و در آن سهم و ذی نفع هستند را سرمایه اجتماعی می داند. تاج بخش سرمایه اجتماعی را به صورت آگاهی شهروندان نسبت به مسائل عمومی که در چهارچوب اعتماد و هنجارهای عمل متقابل و به واسطه تشکل های داوطلبانه و به صورت افقی سازمان یافته اند و خارج از حوزه دولت و اقتصاد قرار دارند و کنش های جمعی عام المنفعه ای را موجب می شوند، تعریف می کند (تاج بخش، ۱۳۸۴).

انجمن های داوطلبانه بر سطوح متفاوت جامعه تأثیرهای مختلفی دارند که برخی آثار آنها بدین شرح است: ارائه فرصت اجتماعی به افراد برای عضویت در گروه های اجتماعی بیشتر، ارائه فرصت اجتماعی جهت بسط روابط اجتماعی و شبکه شخصی افراد، ارائه فرصت اجتماعی برای ابراز عقیده و پیشنهاد راه حل در عرصه عمومی و ارائه فرصت اجتماعی برای شرکت در

تصمیم‌گیری‌های گروهی. تأثیر انجمن‌های داوطلبانه فقط به سطح خرد محدود نمی‌شود، این گونه انجمن‌ها در سطح کلان نیز تأثیر گذارند (غلامی کوتنایی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

بورديو (۱۹۸۶) بر این باور است که میزان سرمایه اجتماعی که یک فرد از آن برخوردار است، بسته به اندازه شبکه ارتباطات وی می‌تواند به طور مؤثری تغییر یابد (تاجبخش، ۱۳۸۴).

در سرمایه اجتماعی، افراد و اجتماعات در قالب ارزش‌ها، هنجارها و پیوندهای اجتماعی ۱ که در جریان تعاملات اجتماعی به وجود می‌آید، قابلیت‌های خود را افزایش می‌دهند و در عین به دست آوردن امکان کنترل زندگی خود، از حمایت‌های محیطی و اجتماعی که در شبکه‌های ارتباطی آنها به وجود آمده برخوردار می‌شوند. سرمایه اجتماعی ما را قادر می‌سازد ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم، مأموریت‌هایمان را در زندگی به اتمام رسانیم و به سهم خویش به دنیایی یاری رسانیم که در آن زندگی می‌کنیم. در این مورد وایتفورد (۲۰۰۰) اظهار می‌دارد: «امروزه عوامل تعیین‌کننده اقتصادی- اجتماعی سلامت، به خوبی بررسی شده و شواهد مستندی در دست است که هرچه افراد به لحاظ اجتماعی منزوی‌تر باشند، از سلامت روان کمتری برخوردارند و به عکس هرچه پیوستگی اجتماعی ۳ در جامعه بیشتر باشد، آن جامعه سالم‌تر خواهد بود. کاهش بار بیماری‌های روانی و پرورش سلامت روانی، ویژگی‌هایی را که برای قبول نقش‌های اجتماعی افراد لازم است، افزایش می‌دهد. سلامت روانی به همراه سلامت جسمی، بر صلاحیت‌های مورد نیاز برای مشارکت افراد در جامعه می‌افزاید و

سرمایه اجتماعی را در سطح ملی فراهم می‌آورد (براتی سده، ۱۳۸۵).

تولایی و شریفیان‌ثانی، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و درکی می‌دانند که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل و رسیدن به اهداف مشترک به طرز کارآمدتر، تسهیل می‌کند و این سرمایه را غالباً با تنوع مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کنند (تولایی و دیگری، ۱۳۸۴). نظریه‌های جدید مطرح می‌سازند که انگیزه اولیه مشارکت است. یعنی پیشرفت و تکامل همراه با دیگران. کمک به دیگران، چه کوچک و چه بزرگ، سرمایه اجتماعی را غنی می‌سازد و شبکه وسیعی از کنش متقابل را خلق می‌کند. سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کارگروهی در یک سیستم اجتماعی دانست. سرمایه اجتماعی به طور خلاصه در شاخصه‌هایی چون وفاداری، اعتماد، اتصالات شبکه‌ای، اقتدار فردی، هویت سازمانی، عمل متقابل، هنجارهای اجتماعی و اعتبار تجلی می‌یابد (شارع پور، ۱۳۸۰).

کاپلان و لینچ (۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را نوعی انباشت سرمایه و شبکه‌هایی معرفی کرده‌اند که همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی و در نتیجه نوعی عزت نفس و سلامتی را در افراد به وجود می‌آورد (افتخاری، ۱۳۸۲).

فوکویاما معتقد است که اغلب تعاریف ارائه شده بر نموده‌های سرمایه اجتماعی و نه خود آن‌ها اشاره می‌کنند. او معتقد است که اعتماد، شبکه‌ها و جامعه مدنی و غیره که به سرمایه اجتماعی مربوطند، تماماً محصول جانبی این پدیده هستند که در نتیجه سرمایه اجتماعی به وجود می‌آیند. ولی سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند. از نظر وی سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج دیگری بین دو نفر می‌شود (فوکویاما، ۱۳۸۴).

اوفه و فوش سرمایه اجتماعی را به عنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع و مناطق و بخش‌ها دانسته و آن را متغیر، کوچک و بزرگ و کم و زیاد می‌دانند. آن‌ها این مفهوم را با سه عنصر توضیح می‌دهند:

الف) آگاهی و توجه: شامل مجموعه افکار و عقاید و حساسیت نسبت به زندگی اجتماعی سیاسی و توجه به هر چیزی که در وسیع‌ترین معنا مربوط به امور عمومی باشد.

ب) اعتماد: که به صورت دوگانه قوی و ضعیف مطرح می‌شود. اعتماد ضعیف شامل نبود ترس و شکست نسبت به رفتار احتمالی دیگران است. و اعتماد قوی زمانی مطرح است که فرد نه تنها به افراد خوش‌بین باشد، بلکه شرکت در یک فعالیت را بدون توجه به ضرر و زیان و فرصت از دست رفته یک امر خردمندانه بداند.

ج) انجمن‌پذیری: دلالت بر مشارکت فعال شخص در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی دارد (اوفه و فوش، ۲۰۰۰، به نقل از ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴).

اوفه و فوش در گونه‌شناسی انجمن‌ها سه نوع را تشخیص می‌دهند:

۱- انجمن‌های نخستین: که شامل انجمن‌هایی با ریشه‌های قومی و خانوادگی بوده و عضویت در آن‌ها و ساختارهای آن غیر داوطلبانه بوده است. در این انجمن‌ها اهداف متغیر ولی عضویت ثابت می‌باشد.

۲- انجمن‌های سومین: شامل بنگاه‌ها و موسسات انتفاعی و احزاب سیاسی است. اهداف در این انجمن‌ها ثابت ولی عضویت متغیر است.

۳- انجمن‌های دومین: اهداف در این انجمن‌ها نه پخش شده و غیرمشخص است (انجمن‌های اولیه) و نه خاص است (انجمن‌های سومین). اعضا دارای علائق مشترک و پایدار بوده و برنامه‌ها از طریق تعامل اعضا با یکدیگر مشخص می‌شود و ترکیب و نحوه عضوگیری بر اساس اصول شهروندی است. از نظر اوفه و فوش تنها انجمن‌های دومین نشان دهنده و مولد کیفیت جمعی سرمایه اجتماعی است (همان).

مروری بر مطالعات انجام شده

عنابستانی و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهری در روند تهیه و تصویب و اجرای طرح هادی شهری (مطالعه موردی: شهرستان دشتستان) انجام داده اند که یافته نشان می‌دهد میزان مشارکت شهری در تهیه و تصویب و اجرای طرح در حد متوسط است. در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت نیز عوامل فردی با میانگین ۳/۶۷ مؤثرترین عامل در مشارکت و عوامل اقتصادی با میانگین ۴/۰۱ مؤثرترین عامل در عدم مشارکت شهری است؛ بنابراین، آگاهی شهری می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مشارکت و سطح توانمندی اقتصادی شهری به عنوان مانعی برای مشارکت آنان محسوب گردد. در تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر مشارکت، روستاهای نظرآقا و رود فاریاب به ترتیب بیشترین و کمترین مقدار را دارا بوده‌اند. در کل عوامل مؤثر بر مشارکت، ۳۴/۶٪ درصد از تغییرات مربوط به میزان مشارکت شهری را تبیین می‌کند.

طالب و همکاران (۱۳۹۱) معتقدند که مشارکت به معنی همکاری شهری در طرح‌های تهیه شده توسط دیگران نیست، بلکه مشارکت سطوح مختلفی دارد و مشارکت مطلوب زمانی پدید می‌آید که شهری بتواند در سطوح ذهنی، عینی، تصمیم‌گیری و اجرایی دخالت داشته باشند؛ همچنین برنامه ریزی مناسب و استفاده از توانایی شهری می‌تواند بستر مناسبی برای موفقیت های طرح تجميع ایجاد کنند.

عنابستانی (۱۳۹۳) معتقد است که ارتباط معنا داری بین نگرش فکری و فلسفی موثر بر مشارکت و فرآیند اجرای طرح های هادی شهری وجود دارد.

عنابستانی در پژوهشی دیگر (۱۳۹۲). به این نتیجه دست یافت که بین عوامل فردی مؤثر بر مشارکت و فرآیند اجرای طرحهای هادی شهری ارتباط معنادار و ضعیفی وجود دارد و بر اساس آن، عوامل فردی مؤثر بر مشارکت فقط ۱۴ درصد تغییرات وابسته را تبیین و توجیه می کند.

کریمی زاده و همکاران (۱۳۸۷) دریافتند که مشارکت افراد محلی در طرح ها سبب کاهش هزینه ها در گرد آوری اطلاعات، تعیین راهکار های واقعی تر، تدوین قوانین اثر بخش تر، هماهنگی و انسجام بیشتر افراد جامعه شهری و اعمال بهتر قوانین می شود.

رضایی و همکاران (۱۳۹۱) و شریفی و همکاران (۱۳۸۹) معتقدند که بین مشارکت شهری در طرح های ابخیزداری با سطح تحصیلات، میزان رضایت مندی، میزان انسجام اجتماعی، میزان انگیزه پیشرفت، عضویت در نهاد های عمومی روستا، میزان مالکیت باغ و زمین کشاورزی، میزان در آمد و ... ارتباط معنا داری وجود دارد.

دانش مهر و احمدرش (۱۳۸۸) معتقدند که رابطه مثبت و معنی داری بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهری وجود دارد.

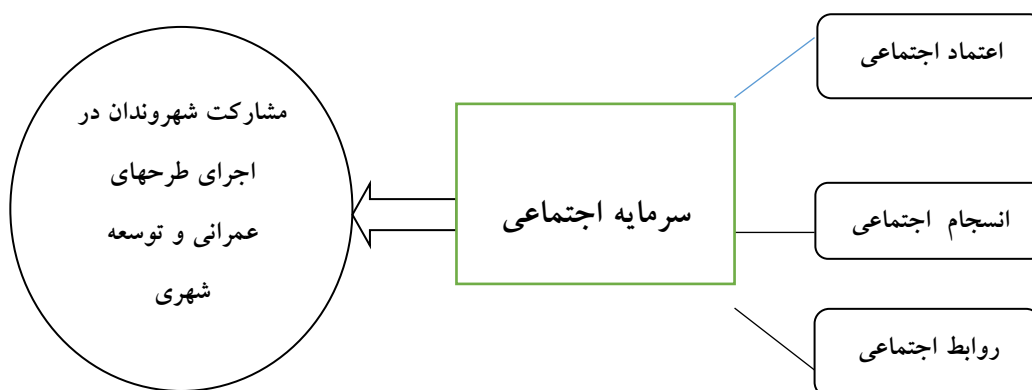
کوهی و همکاران (۱۳۸۲) و کوهی (۱۳۸۴) معتقدند که عوامل گروهی، اجتماعی (رضایت اجتماعی، انسجام اجتماعی و آگاهی اجتماعی)، فرهنگی، نگرشی، سطح تحصیلات، سن، وضعیت تأهل، بعد خانوار، نوع شغل وضعیت تولید خانوار و نوع محصول زیر کشت در مشارکت اقتصادی شهری در طرح های توسعه شهری مؤثر هستند.

سلمانی و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی شاخص های اصلی سرمایه اجتماعی و مطالعه میدانی در دو روستای برون و باغستان در استان خراسان جنوبی به این نتیجه رسیده اند که از بین مؤلفه های مطرح، شاخص های مرتبط با تعامل اجتماعی بیشترین نقش را در توسعه شهری دارند.

فراهانی، عینالی و عبدلی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی شهری مطالعه موردی؛ دهستان مشهد میقان شهرستان اراک انجام داده اند نتایج حاصله حاکی از این است که بین افزایش سرمایه اجتماعی و بالا رفتن توسعه شهری رابطه مثبت و کاملاً معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان، توسعه شهری بویژه در ابعاد اجتماعی و کالبدی تحول بیشتری را نشان می دهد.

وستلند و همکاران (۲۰۰۲) با بررسی نقش عاملان بخش های عمومی و خصوصی تاثیرگذار در سرمایه اجتماعی در سطح محلی به این نتیجه رسیدند که ایجاد و تغییر در سرمایه اجتماعی فرآیندی زمان بر است و می تواند به توسعه پایدار شهری و بهبود مدیریت محلی کمک کند. (Westlund et al., 2002) به عقیده وستلند و بولتون، سرمایه اجتماعی در سطح خرد به سه طریق می تواند در توسعه محلی تاثیرگذار باشد: ۱- تغییر جو و ارایه تصویری از پتانسیل های توسعه در منطقه؛ ۲- تقویت روابط موجود در بین گروه های محلی و محیط فعالیت از طریق فراهم سازی اطلاعات؛ و ۳- ایجاد رابطه بین گروه های توسعه و تصمیم گیران (Westlund and Bolton, 2002): .

مدل مفهومی



فرضیه ها

فرض اصلی: بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه وجود دارد. به طوری که با بالا رفتن سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندان نیز افزایش می یابد و با کاهش سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندان نیز کاهش می یابد.

فرضیه های ویژه:

فرض ۱: بین اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه وجود دارد. به طوری که با بالا رفتن اعتماد اجتماعی، مشارکت شهروندان نیز افزایش می یابد و با کاهش اعتماد اجتماعی، مشارکت شهروندان نیز کاهش می یابد.

فرض ۲: بین انسجام اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه وجود دارد. به طوری که با بالا رفتن انسجام اجتماعی، مشارکت شهروندان نیز افزایش می یابد و با کاهش انسجام اجتماعی، مشارکت شهروندان نیز کاهش می یابد.

فرض ۳: بین روابط اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه وجود دارد. به طوری که با بالا رفتن روابط اجتماعی، مشارکت شهروندان نیز افزایش می یابد و با کاهش روابط اجتماعی، مشارکت شهروندان نیز کاهش می یابد.

روش شناسی

روش تحقیق از حیث روش پیمایشی و از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی بوده است. جامعه آماری را ۷۰۰۰ نفر از شهروندان فریدونکنار تشکیل می دهد. براساس جدول نمونه گیری استاندارد کرجسی و مورگان ۳۸۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده اند. برای دسترسی به نمونه در این تحقیق از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه می باشد. روایی پرسشنامه ها با کسب نظر کارشناسان حاصل و پایایی حاصل از آلفای کرانباخ نیز برای پرسشنامه

سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۸۱۲ و برای پرسشنامه مشارکت اجتماعی ۰/۷۹ می باشد. به منظور آزمون فرضیات تحقیق با توجه به نرمال بودن داده ها از آزمون های پیروسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته های تحقیق

یافته های حاصل از آزمون فرضیه های تحقیق با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیروسون

جدول ۱- جدول آزمون همبستگی پیروسون فرضیه های تحقیق

ردیف فرضیه	متغیرها	n	r	p-value	نتیجه فرضیه
اصلی	سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان	۳۸۱	۰/۸۹۱	۰/۰۰۰	رابطه معنادار
اول	اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندان	۳۸۱	۰/۹۱۲	۰/۰۰۰	رابطه معنادار
دوم	انسجام اجتماعی و مشارکت شهروندان	۳۸۱	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰	رابطه معنادار
سوم	روابط اجتماعی و مشارکت شهروندان	۳۸۱	۰/۷۰۷	۰/۰۰۰	رابطه معنادار

** . نشان دهنده معنی دار بودن ارتباط در سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۱ می باشد (۲سویه)

با توجه جدول فوق، چون ضرایب همبستگی محاسبه شده (۰/۹۱۲) آماره همبستگی محاسبه شده و $\text{sig } 0/000 =$ برای فرضیه اول)، آماره همبستگی محاسبه شده و $\text{sig } 0/000 =$ برای فرضیه دوم)، آماره همبستگی محاسبه شده و $\text{sig } 0/000 =$ برای فرضیه سوم)، که در جدول همبستگی آمده است فرض صفر (H_0) موردتائید داده هانیست؛ یعنی رابطه معنی داری بین اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری وجود دارد، زیرا مقدار بدست آمده برای مقدار احتمال (P-Value) برابر است با ۰/۰۰۰ و این مقدار از سطح معناداری $\alpha = 0/05$ کمتر است. فرضیه صفر (H_0) رد و فرضیه تحقیق توسط داده هاتایید می شود، بنابراین با احتمال ۹۹٪ می توانیم ادعا کنیم که بین اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش یکی (اعتماد اجتماعی)، (انسجام اجتماعی)، (روابط اجتماعی) دیگری (مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری) افزایش می یابد

همچنین در مجموع با توجه جدول فوق، چون ضریب همبستگی محاسبه شده (۰/۸۹۱) آماره همبستگی محاسبه شده و $\text{sig } 0/000 =$ برای فرضیه اصلی)، که در جدول همبستگی آمده است فرض صفر (H_0) موردتائید داده هانیست؛ یعنی رابطه داری بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه وجود دارد، زیرا مقدار بدست آمده برای مقدار احتمال (P-Value) برابر است با ۰/۰۰۰ و این مقدار از سطح معناداری $\alpha = 0/05$ کمتر است. فرضیه صفر (H_0) رد و فرضیه تحقیق توسط داده هاتایید می شود، بنابراین با احتمال ۹۹٪ می توانیم ادعا کنیم که بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش یکی (سرمایه اجتماعی) دیگری (مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری) افزایش می یابد.

تحلیل رگرسیونی

برای انجام تحلیل رگرسیونی از روش رگرسیون همزمان استفاده می کنیم.

در این روش کلیه متغیرهای مستقل به طور همزمان وارد مدل می شوند تا تاثیر کلیه متغیرهای مهم و غیر مهم بر متغیر وابسته مشخص می گردد. (منصور فر، ۱۳۸۵: ۱۷۳).

براساس جدول تاثیر متغیرهای اعتماد اجتماعی، و روابط اجتماعی بر مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری معنادار گردیده است. با توجه به بتای جدول اعتماد اجتماعی با $0/483$ ، بیشترین تاثیر را بر مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری دارد. به طوریکه با یک واحد تغییر در اعتماد اجتماعی $0/483$ تغییر در مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری بوجود می آید. انسجام اجتماعی با $0/425$ ، از لحاظ تاثیر بر مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری در جایگاه دوم دارد. به طوریکه با یک واحد تغییر در انسجام اجتماعی $0/425$ ، تغییر در مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری بوجود می آید. روابط اجتماعی با $0/285$ ، از لحاظ تاثیر بر مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری در جایگاه سوم دارد. به طوریکه با یک واحد تغییر در روابط اجتماعی $0/285$ ، تغییر در مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری بوجود می آید. مقدار R^2 نشان می دهد ۸۴ درصد تغییرات متغیر وابسته مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری از سه متغیر، متغیرهای اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی می باشد و ۱۶ درصد تغییرات متغیر وابسته مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری ناشی از عواملی است که برای ما ناشناخته است.

بحث و نتیجه گیری:

این تحقیق با هدف بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر فریدونکنار) انجام شده است. نتایج و یافته های حاصل از تحقیق نشان داد بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی) و مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری رابطه معناداری وجود دارد. یعنی کسانی که در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری مشارکت داشتند بیشتر از شهروندانی که مشارکت نداشتند دارای سرمایه اجتماعی بودند. همچنین براساس نتایج رگرسیون چند متغیره اعتماد اجتماعی بیشترین تاثیر بر مشارکت شهروندان در اجرای طرح های عمرانی و توسعه شهری دارد.

در مجموع می توان دریافت استفاده از مشارکت مردم در فرایند برنامه ریزی و اجرای برنامه ها و طرح ها عمرانی و توسعه شهری علی الخصوص در روستاها امری ضروری است. چون روستاها از منابع درآمدی محدودی برخوردار می باشند. و همچنین بودجه اختصاصی از سوی دولت و دستگاه های اجرایی برای روستاها پاسخگوی همه طرح ها و برنامه های اجرایی در سطح روستاها نخواهد بود. بنابراین راهکار منطقی در اجرای چنین طرح هایی استفاده از مشارکت مردم می باشد.

از طرفی امروزه توجه خاصی از سوی اندیشمندان مسائل شهری به بحث توسعه پایدار شده است، که از ارکان این توسعه می توان به نگرش یکپارچه مسئله حفاظت محیطی، تامین حداقل نیازهای شهروندان و بستر سازی برای مشارکت فعال شهروندان اشاره کرد. از آنجا که مشارکت توسعه ای بعنوان یکی از مهم ترین ارکان توسعه پایدار شهری مطرح است، لازم به نظر می رسد که در یک بینش جامع قابلیت های بالفعل آن بخصوص در اجرای طرح ها و پروژه های عمران شهری مورد سنجش قرار

گیرد. زیرا به اعتقاد بسیاری از نظریه پردازان معاصر توسعه، مفهوم واقعی و تحقق اهداف توسعه در گرو مشارکت های وسیع مردمی تجلی می یابد.

متأسفانه یکی از دلایل عدم پیشرفت برنامه ریزی های شهری در کشورمان، عدم توجه به این فاکتور مهم و انکارناپذیر سرمایه اجتماعی است. که استفاده از آن در کنار سایر سرمایه ها ضروری به نظر می رسد.

در حقیقت سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد هماهنگی و ارتباط میان انواع دیگر سرمایه ها از قبیل سرمایه های مالی، طبیعی و انسانی در قالب شبکه ای از روابط مبتنی بر اعتماد متقابل و مشارکت میان افراد، انسجام و همبستگی زمینه را جهت دستیابی به سود مشترک (توسعه) از اهمیت ویژه ای " مناطق شهری " فراهم می آورد. در این رابطه کاربرد سرمایه اجتماعی در برخورداری است؛ چرا که اکثریت ساکنین را شهروندان فقیر و خرده مالک تشکیل می دهند و آنها نیز، نیازمند برنامه هایی برای افزایش مشارکت، اعتماد متقابل به یکدیگر و به مسئولین، همچنین نیازمند انسجام درون گروهی هستند.

در این راستا میسر شدن پیشرفت در هر یک از زمینه های فوق، مستلزم حضور، اعتماد و مشارکت آحاد شهری در روند توسعه است و این امر امکان پذیر نیست، مگر آنکه روحیه ی مشارکت و اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی را به شکلی مدرن و در قالب تشکل های دولتی و غیر دولتی در روستا بالا برد.

به نظر می رسد برای افزایش سطح توسعه در روستاها و به اشتراک گذاشتن سرمایه های داخلی شهری، اعم از طبیعی، مالی و انسانی و ... متخصصان و برنامه ریزان شهری نیازمند استفاده از این فاکتور (سرمایه اجتماعی) به عنوان یک پیش بینی کننده ی ضروری می باشند.

به طور کلی برای عمران و آبادانی شهر و حل مشکلات و معضلات شهروندان استفاده از مشارکت اقتصادی و اجتماعی عموم روستائیان با بهره گیری از پتانسیل سرمایه اجتماعی ضروری به نظر می رسد. استفاده از مشارکت مردم در تمامی مراحل فوق امکانپذیر و باعث حل بسیاری از مشکلات می گردد. بنابراین یافته ها و نتایج حاصل از این پژوهش، می تواند در جهت ارتقای سطح مشارکت مردم، توزیع مناسب بودجه عمرانی، برنامه ریزی ها، شیوه های جلب مشارکت مردم بویژه در امور عمرانی و شناسایی شیوه های تواناسازی مردم در جهت مشارکت عمرانی، مفید باشد. توجه به نتایج این پژوهش، برای سیاست گذاران و مسئولان سازمانها و کارگزاران امور شهری ساری می تواند گامی در جهت موفقیت باشد.

پیشنهادهات:

- ارتقاء سطح آگاهی شهروندان و آشنایی آنها با طرح ها و پروژه های توسعه روستایی تاثیر بسزایی در جلب مشارکت آنان دارد. لذا توجه بیشتر به برنامه های ترویجی و آموزشی در مناطق شهری و ارائه برنامه های محلی (رادیو و تلویزیون) از اهمیت بالایی برخوردار است.

- حتی الامکان سعی گردد مناطق شهری که قرار است در آن طرح های مشارکتی به مرحله اجرا درآید قبل از اجرای طرح، اهداف و فواید و مقاصد طرح کاملاً برای اهالی توجیه گردد.

- در شناخت و آگاهی از مشکلات و نیاز های مردم و اولویت ها، ایده ای که باید در نظر گرفته شود این است که مردم شناخت و آگاهی بیشتری نسبت به مشکلات و نیازهای خود دارند. و از راهکارهای آسان و به صرفه تری بر خوردار هستند. به صورتی که استفاده از یک تیم مشورتی و یا حتی نظر خواهی از کلیه ساکنان محل و یا مناطق شهری به دلیل محدودیت جمعیت می تواند راهگشای بسیاری از برنامه هایی قرار بگیرند که فقط بر اساس تشخیص عده معدودی انجام می گیرد.

- تشویق طرحهای پیشنهادی که از سوی مردم و در راستای توسعه شهر ارائه شده است.
- تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه های توسعه (افزایش آگاهی های مردم و کاهش زمان و هزینه طرح ها و پروژه ها)
- در اجرای طرحهای عمرانی، به طرحهایی اولویت داده شود که خود شهروندان خواستار اجرا و به ویژه مشارکت در آن شده اند.
- توجه خاص به حفظ و انسجام اجتماعی با مشارکت مردم، دولت و رهبران محلی، از طریق ارزش دادن به تشکلهای غیر دولتی و شوراها.
- هماهنگی و همکاری اعضای شورا و دهیاران با مردم و فراهم کردن امکانات لازم برای حضور مردم در جلسات و برنامه های شورای شهر.
- تغییر دید مسئولان تصمیم گیر و ایجاد باور در آنها نسبت به امر مشارکت شهروندان در طرحهای عمرانی.
- وجود نهاد یا سازمانی که دریافت کننده نظرات و پیشنهادهای شهروندان در راستای توسعه طرح های عمرانی درمناطق شهر باشد، ضروری به نظر می رسد.

منابع

- ۱-ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۷) مدیریت مشارکتی شوراهای اسلامی و نظام مدیریت روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش، شماره دوم.
- ۲-زکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۸۷) توسعه پایدار شهری، انتشارات اطلاعات، تهران.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۲) نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت، نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ۳-أفه، کلاس. (۱۳۸۴) چگونه می توان به شهروندان اعتماد داشت، ترجمه: افشین. خاکباز و حمید، پویان. تهران: نشر: شیرازه.
- اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید، (۱۳۷۰) رهیافت های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نژاد، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، تهران.
- ۴-براتی سده، فریده. (۱۳۸۵) محرومیت های اجتماعی سلامت روان را تهدید می کند، روزنامه همشهری. شماره ۴۱۰۱.
- برقی، حمید، یوسف قنبری و محمد سعیدی، (۱۳۹۲) بررسی عملکرد شورای اسلامی روستا و میزان مشارکت مردم در توسعه شهری (مطالعه موردی: دهستان حسین آباد شهرستان نجفآباد)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه شهری، سال دوم، شماره ۴.
- ۵-پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۱) نظریه های توسعه شهری، چا اول، تهران، انتشارات سمت.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و ابراهیمی، محمد، (۱۳۸۶)، نظریه های توسعه شهری، انتشارات سمت، تهران.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)، ترجمه: افشین، خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر: شیرازه.
- ۶-تولایی، نوین و مریم شریفیان ثانی. (۱۳۸۴) نقش سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی برای رفاه اجتماعات محلی، مجموعه مقاله های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- ۷- حامد مقدم، احمد (۱۳۷۰) مشارکت و توسعه روستایی، مجموعه مقالات همایش جامعه شناسی توسعه، تهران، سمت، جلد دوم.
- ۸- حیاتی، داریوش، مجتبی دهقان پور و زهرا نامجویان (۱۳۸۶) راهبرد مشارکت مردم در توسعه شهری با نگرشی به تجربه اجرای پروژه‌های توانمندسازی اهالی روستاهای منطقه کامفیروز فارس، مجموع چکیده مقاله های دومین همایش ملی توسعه شهری در ایران، موسسه توسعه شهری.
- ۹- دانش مهر، حسین، احمد رش، رشید (۱۳۸۸) بررسی نگرش اجتماعی شهری نسبت به مشارکت اجتماعی، مجله توسعه شهری، ۱(۱)، صص ۱۵۶-۱۲۹.
- ۱۰- رضایی، روح الله، ودادی، الهام، مهردوست، خدیجه (۱۳۹۱) بررسی عوامل تاثیر گذار بر مشارکت شهری در طرحهای آبخیز داری حوزه آبخیز خیارک، (مطالعه موردی روستای ده جلال)، فصلنامه پژوهش های شهری، ۳(۱)، صص ۲۱۴-۲۰۱.
- ۱۱- رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۳) مکتب ها و نظریه ها و مدل های برنامه ریزی، و برنامه ریزی منطقه ای، چاپ اول، امشترات دانشگاه یزد، دانشگاه یزد.
- ۱۲- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱) برنامه ریزی توسعه شهری (مفاهیم، راهبردها و فرایندها) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- ۱۳- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰) برنامه ریزی توسعه شهری در ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات قومس، جلد اول.
- ۱۴- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۶) مدیریت نهادهای محلی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۵- سرور، رحیم، موسو، میر نجف، دانیالی، تهمینه (۱۳۹۱) رابطه مشارکت محلی و توسعه شهری، مطالعه موردی بخش مرحمت آباد، فصلنامه روستا و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۱۷.
- ۱۶- سلمانی، محمد؛ تقی پور، فریده؛ رمضان زاده لسبویی، مهدی و جلیلی پروانه، زهرا (۱۳۸۷) بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت مدنی، تعامل اجتماعی و اعتماد) در توسعه شهری (مطالعه موردی: روستاهای باغستان و برون- شهرستان فردوس)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای شماره ۴۵، ۱۲-۲۳.
- ۱۷- شارع پور، محمود. (۱۳۸۰) فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، انجمن جامعه شناسی. ۳.
- ۱۸- شریفی، امید، غلامرضایی، سعید، رضایی، روح الله (۱۳۸۹) بررسی عوامل موثر بر میزان مشارکت شهری، در طرح های آبخیز داری منطقه جیرفت، علوم و مهندسی آبخیز داری ایران، ۴(۱۲)، صص ۹-۱.
- ۱۹- صابری فرد، رستم (۱۳۹۱) بررسی عوامل تاثیرگذار بر عضویت و مشارکت شهری در شرکت های تعاونی شهری مورد شناسایی: استان خراسان رضوی، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، دوره دوم، شماره ۴، صص ۱۸-۱.
- ۲۰- صیدایی، سید اسکندر و امین دهقانی (۱۳۸۹) نقش مشارکت های مردمی در توسعه شهری با تاکید بر مشارکت سنتی و جدید مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۳۷.
- ۲۱- طالب، مهدی و نجفی اصل، زهره (۱۳۸۸) آموزه هایی از روند مشارکت شهری در ایران، مجله جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره ۳۷.
- ۲۲- طالب، مهدی (۱۳۸۴) جامعه شناسی شهری (ابعاد تغییر و توسعه در جامعه شهری ایران)، تهران انتشارات دانشگاه تهران.

- ۲۳- طالب، مهدی، حسین میرزایی و عفوات نادری، (۱۳۹۱) ارزیابی نقش مشارکت در طرحهای توسعه مناطق شهری (بررسی موردی: طرحهای تجمیع مناطق شهری) فصلنامه توسعه محلی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۸.
- ۲۴- عنابستانی، علی اکبر (۱۳۹۳) تحلیل اثر گذاری عوامل ساختاری _ نهادی موثر بر مشارکت شهری در فرایند اجرایی طرح های توسعه شهری، (نمونه موردی، روستای شهرستان خواف)، برنامه ریزی منطقه ای، ۴ (۱۳)، صص ۶۰-۴۵.
- ۲۵- عنابستانی، علیاکبر و همکاران (۱۳۹۱) بررسی ویژگیهای جمعیتی مؤثر بر میزان مشارکت شهری در روند توسعه شهری (مطالعه موردی شهرستان ایجرود)، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۶- غلامی کوتنایی، قربانزاد (۱۳۹۳) بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر اعتیاد جوانان (شهر قائم شهر)، دو فصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، دوره ۳، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۱۱۵-۱۳۹.
- ۲۷- فراهانی، حسین، عینالی، جمشید، عبدلی، سمیه (۱۳۹۱) ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی شهری مطالعه موردی؛ دهستان مشهد میقان شهرستان اراک، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال سیزدهم، شماره ۲۹، تابستان ۹.
- ۲۸- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: نشر حکایت قلم نوین.
- ۲۹- کریمی زاده، کیوان، غفاری، گلاله، یونس زاده، جلیل، سهیلا (۱۳۸۷) نقش مشارکت های مردمی در طرح های آبخیز داری و حوزه های آبریز گرگان، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی بحران آب، گرگان، صص ۴۹-۴۱.
- ۳۰- کوهی، کمال (۱۳۸۴) بررسی عوامل موثر بر مشارکت اقتصادی شهری در طرح های توسعه شهری شهرستان ورزقان (نمونه موردی روستای دیزن ملک). جغرافیا و برنامه ریزی، ۵ (۱۸)، صص ۱۹۰-۱۷۶ .
- ۳۱- کوهی، کمال، تقوی، نعمت الله (۱۳۸۲) سنجش میزان مشارکت شهری در طرح های توسعه شهری، جغرافیا و برنامه ریزی، ۴ (۱۴)، صص ۱۱۰-۸۲.
- ۳۲- کیانی، اکبر و میرزاپور، سلیمان (۱۳۸۸) بررسی افتراق فضایی - مکانی در ابعاد سرمایه اجتماعی (طالعه موردی شهرستان خرم آباد)، مجله علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۱۴۷-۱۲۵ .
- ۳۳- محسنی، منوچهر، جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی در ایران، تهران، نشر آرون.
- ۳۴- مطیعی لنگرودی، سید حسن و فاطمه سخای (۱۳۸۸) مشارکت مردمی و توسعه افتگی شهری در دهستان سلگی شهرستان نهاوند، فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ۴۱، شماره ۷۰.
- ۳۵- ملاحسنی، حسن (۱۳۸۱). بررسی رابطه میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس .
- ۳۶- مهندسان مشاور DHV هلند (۱۳۷۱). رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز شهری، انتشارات روستا و توسعه. شماره ۱۰.
- ۳۷- میرزایی، حسین؛ میرزایی، سودابه (۱۳۹۰) عوامل مؤثر بر بهبود فضای سرمایه گذاری داخلی و خارجی در شهر تبریز، چهارمین همایش مالیة شهرداری، مشکلات و راهکارها.
- ۳۸- ناطق پور، محمد جواد و سید احمد فیروز آبادی. (۱۳۸۴) بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در تهران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، صص ۵۱ تا ۹۵.

۳۹-نجفی کانی و محمد میرزاعلی (۱۳۹۱) بررسی و سنجش میزان مشارکت مردم و نقش آن در توسعه شهری (مطالعه موردی: دهستان سلطانعلی شهرستان گنبدکاووس) مجله چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۱۳۷-۱۱۸.

۴۰-ولکاک، مایکل، آلهاندرو پورتس، کلاوس افه، رابرت پانتام، جیمزسمیوئل کلمن، فرانسیس فوکویاما، پیر بوردیو. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست گذاری، سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه. گردآورنده: کیان تاخبخش، ترجمه: افشین، خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.

41-Aref. Fariborz, 2009, People s participation in community Development :A case study in a plan ned village settlement in Malaysia, Vol. 1 No. 2,pp45-54.

42-Chambers, Robert (2003). Reflection on P. R. A. Experiences, Pathway to Participation, I.D.S., Sussex.

43-Westlund, Hans and Bolton, Roger (2002) Local Social Capital and Entrepreneurship. Small Business.

44-Westlund, Hans, Forsberg, Anette and Höckertin, Chatrine (2002) Social Capital and Local Development in Swedish Rural Districts, Paper prepared for the 42nd Congress of the European Regional Science Association Dortmund, Germany 27-31 Augu

45-Whiteford, H.(2000). Human Capital, social capital and Mental Health (WFMH:Thired Quarter New Fetter 2000). Copy Right 1998-2000 world federation for mental Health.